

با توجه به اینکه در اقتصادهای مختلف دنیا و حتی در ایران درصد بدهی دولت به GDP خیلی بالا رفته، کسری بودجه عجیب و غریبی رخ داده است؛ در این شرایط، بهترین و مطمئن ترین منبع برای حمایت از اقشار ضعیف چیست؟ با توجه به اینکه بحث جهش تولید را در فضای داخلی کشور داریم، چه باید کرد؟

دکتر سلیمانی: بگذارید درباره جهش تولید بحث جداگانه‌ای داشته باشیم؛ اما اگر بخواهیم در مورد الگوهای حمایت صحبت کنیم با توجه به فضای خیلی پیچیده آن، پاسخ‌ها هم تعمداً سعی می‌کنند این پیچیدگی را در نظر نگیرند. در واقع در پرسش شما دو، سه بعد از این پیچیدگی مشخص بود؛ یکی از ابعاد پیچیدگی، در خیلی از کشورهای دنیا از جمله ایران «کسری بودجه مزمن» است. نکته بعد محدودیت توان مالیات‌ستانی دولت‌ها بنا به دلایل مختلف است؛ تقریباً در این انتقادی وجود ندارد که توان مالیات‌ستانی به علت رکود اقتصادی حداقل در بعضی از کشورها بالای ۲۰ درصد و حتی تا ۵۰ درصد هم ممکن است کاهش پیدا کند. از طرف دیگر خیلی از کشورهایی که تک‌محصولی بودند چه در حوزه‌های کالاهای کشاورزی، چه در حوزه کالاهای معدنی و کالای نفتی منبع درآمد دولتی‌شان را تا حدودی زیادی از دست دادند که این مشمول حال ما هم می‌شود. در این فضا تصمیم‌گیری برای دولت واقعاً سخت است؛ اینکه طرح‌های حمایتی را چطور اجرا کند. عمده رویکردهای چپ‌تر، یعنی آن‌هایی که از اردوگاه چپ تغذیه فکری می‌شوند می‌گویند، دوره کرونایی باید با حمایت و منابع مالی دولت و به نوعی کسری بودجه فزاینده‌تر دولت تأمین مالی شود؛ توضیحشان هم این است که بالاخره دولت باید یک‌بار از ابزارهای خود برای حمایت عموم مردم استفاده کند و الآن به حمایت عمومی از مردم نیاز است. آن‌ها از این منظر خیلی سفت و سخت بر کسری بی‌مهابایی دولت تأکید دارند؛ اما باید به این نکته توجه داشت که کسری فزاینده بودجه دولت و استقراض از بازار بدهی، احتمالاً فشار نرخ بهره‌ای چندانی نخواهد داشت، زیرا نرخ‌های بهره آن‌قدر پایین آمده که استقراض دولت نمی‌تواند به دلیل فضای بدبینانه حوزه سرمایه‌داری استقراض دولت روی نرخ بهره اثر شدیدی بگذارد؛ اما به دلیل ایجاد تحریک‌های تقاضایی در اقتصاد منقبض شده،

می‌تواند اثر تورمی داشته باشد و عملاً اثر نیت دولت و آن اثر حمایتی را خنثی کند.

ایده‌های دیگری را هم می‌شود مطرح کرد؛ اما فقط یکی از این ایده‌ها عملاً در کشور ما استفاده می‌شود و آن بحث گسترش و شیوع حرکت‌های خیرخواهانه عموم مردم است. اگر از این پتانسیل در کشور استفاده کنیم و آن را در خیلی از کشورهای دیگر مبنا قرار دهیم، به طوری که عموم مردم مقابله با فقر (حداقل فقر تأمین غذا)، سوء تغذیه و مبارزه با گرسنگی را وظیفه اجتماعی خود بدانند، این کار می‌تواند تا حدودی فشار بر جامعه فقیر را تخفیف دهد. دقت داشته باشید چه در ایران، چه در خیلی از کشورهای دنیا، از جمله آمریکا چنین تحلیل‌هایی وجود داشت؛ پس اندازه بخشی از طبقه متوسط جامعه در حد صفر است؛ یعنی از دست دادن شغل برای این افراد می‌تواند بحران گرسنگی و ناتوانی در تأمین مواد غذایی را به همراه داشته باشد. به همین دلیل مسئله فقر و گرسنگی چه در سطح ملی برای کشورهای فقیر به‌ویژه آفریقایی‌ها و چه در سطح درون‌دولتی و درون‌کشوری در سطح طبقات مختلف جامعه پدیده‌ای جدی است.

چند روز پیش در بررسی اجمالی، مشاهده کردم خیلی از بنیادها و مجموعه‌های غیردولتی خیریه‌ای دنیا به شدت فعال شده‌اند و در این زمینه‌ها کارهایی را انجام می‌دهند؛ اما مطمئناً در حد و مقیاس ایران فعالیت نداشته‌اند؛ البته باید تأکید کنم درست است در کشور ما حرکت‌های خوبی شده، اما نمی‌دانیم که

کسری فزاینده بودجه دولت و استقراض از بازار بدهی، احتمالاً فشار نرخ بهره‌ای چندانی نخواهد داشت، زیرا نرخ‌های بهره آن‌قدر پایین آمده که استقراض دولت نمی‌تواند به دلیل فضای بدبینانه حوزه سرمایه‌داری استقراض دولت روی نرخ بهره اثر شدیدی بگذارد؛ اما به دلیل ایجاد تحریک‌های تقاضایی در اقتصاد منقبض شده، می‌تواند اثر تورمی داشته باشد و عملاً آن اثر نیت دولت و آن اثر حمایتی را خنثی کند.

آیا می‌توانیم برای دوره نسبتاً پایداری فشار فقر را از مردم کم کنیم یا نه؛ در این زمینه نیاز به مطالعه جدی داریم.

علاوه بر این، خود شبکه محلی حمایتی که دارد شکل می‌گیرد امکان اجتماع و شکل دادن فعالیت‌های تولیدی و توانمندسازی جدید را دارد.

دکتر سلیمانی: البته منوط به اینکه کسی آن را هدایت کند. آقای دکتر خاندوزی یادداشتی نوشته بودند که ما به مردم به چشم فلک نگاه می‌کنیم، هم برای پول جمع کردن، هم برای رأی جمع کردن؛ اما هیچ موقع حاضر نیستیم برایشان نخ تعیین کنیم که به آن‌ها نخ بدهیم و از ظرفیت‌هایشان چه در حوزه شناسایی افراد فقیر، چه توانمندسازی که شما فرمودید یا مواردی از این دست استفاده کنیم.

همچنین صحبت‌هایی می‌شود مبنی بر اینکه کرونا نقطه شروع اضمحلال نگاه سرمایه‌داری است و می‌تواند به تغییر جهش منجر شود و تغییر تمدن، یا فروپاشی سرمایه‌داری و هژمونی آمریکا با عبارت‌هایی از این دست مطرح می‌شود که به روشنی نمی‌توان آن‌ها را درک کرد. می‌خواهم بگویم بله؛ کرونا پتانسیل دارد که نوع مدیریت زندگی بشر را در سطح کلان خود تحت تأثیر قرار دهد؛ اما این ظرفیت به مفهوم تغییر نگاه بشر نسبت به سرمایه‌داری نیست؛ در واقع در این فضای چالشی و بحرانی، جریانی برنده است که بتواند مدیریت زندگی بشر را بهتر در اختیار بگیرد؛ مثلاً اگر همین نگاه آمریکایی‌ها بتواند راهکارهایی برای تخفیف شیوع کرونا ارائه کند، یا به‌طور کلی جریان سرمایه‌داری بتواند تغییراتی در خود ایجاد کند که دوباره کسب‌وکارها راه بیفتند، جامعه فقیر از آن حد بحرانی خارج شود و یکسری اتفاقات دیگر، طبیعتاً دوباره سرمایه‌داری برنده این بازی خواهد بود. این صرفاً آرزوی ما است که می‌گوییم سرمایه‌داری فرو خواهد پاشید؛ ولی اگر جریانی بتواند راهکار یا مدلی برای اداره جامعه به نحو متقن ارائه کند آن جریان موفق خواهد بود که به نظر می‌رسد الآن جریان سرمایه‌داری دارد خود را بازآرایی می‌کند تا این بحران را هم رد کند و از آسیب‌هایش درس بگیرد. همین الآن مقالات زیادی دیده می‌شود، به‌ویژه از افراد جامعه‌شناس و متخصصان علوم اجتماعی که صحبت‌هایی می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد این‌ها نمی‌توانند جایگاه مدیریت دنیا را به این راحتی از دست جریان سرمایه‌داری بگیرند.